

گفت‌وگویی
روزنامه صبا با
عوامل فیلم سینمایی
«گیس»

روایتی از معیشت، صنعت و زخم‌های پنهان جامعه



پگاه زارعی
گفت‌وگو

در میان فیلم‌هایی که امسال به جشنواره فیلم فجر راه یافته‌اند، «گیس» از جمله آثاری است که پیش از نمایش رسمی، به واسطه سوز، فضای ملتهب روایی و مسیر تولیدش، توجه‌ها را به خود جلب کرده است. فیلمی که با بازی حامد بهداد، بهنوش طباطبایی، عرفان ناصری و الهه حصاری است و تلاش می‌کند به جای روایت‌های سطحی و شعاری، به دل یکی از حساس‌ترین مسائل اجتماعی امروز ایران بزند؛ مسئله معیشت، صنعت، امنیت و نسبت پیچیده‌ای که میان این مفاهیم برقرار است.

«گیس» فیلمی در ژانر جنایی است که قصه خود را در بستر اعتراضات کارگری و بحران‌های ناشی از فشارهای اقتصادی روایت می‌کند. داستان، از دل زیست طبقه‌ای بیرون می‌آید که ستون‌های اقتصاد کشور بر دوش آن‌هاست، اما خودشان سهم اندکی از ثمره این چرخش دارند. کارگرانی که میان دغدغه نان، ناامنی شغلی و فشارهای اجتماعی گرفتار شده‌اند و همین وضعیت، بستری برای شکل‌گیری تنش‌ها و نفوذهای پنهان فراهم می‌کند.

فیلم، صرفاً به اعتراض به عنوان یک رخداد بیرونی نگاه نمی‌کند، بلکه ریشه‌های آن را در لایه‌های زیرین جامعه جست‌وجو می‌کند؛ جایی که اختلال در معیشت می‌تواند به بحران‌های بزرگ‌تر امنیتی و صنعتی منجر شود. «گیس» از این منظر، تنها یک فیلم جنایی یا محامی نیست، بلکه تلاشی است برای ترسیم زنجیره‌ای از علت و معلول‌ها که به هم گره خورده‌اند؛ درست شبیه خود عنوان فیلم که نمادی از پیوستگی و درهم‌تنیدگی مسائل اجتماعی است.

یکی از وجوه قابل توجه «گیس»، پرداخت هم‌زمان به دو سوی کمتر کنار هم دیده شده در سینمای ایران است؛ از یک سو رنج‌های طبقه کارگر و از سوی دیگر دستاوردهای صنعتی و توان فنی مهندسان و متخصصان ایرانی. فیلم تلاش می‌کند نشان دهد چگونه در دل همان ساختار صنعتی که افتخار ملی محسوب می‌شود، شکاف‌های اجتماعی و اقتصادی نیز می‌توانند شکل بگیرند و اگر نادیده گرفته شوند، به بحرانی گسترده بدل شوند.

تولید «گیس» نیز خود، بخشی از روایت فیلم را در دل واقعیت بازتاب می‌دهد. بخش عمده‌ای از فیلمبرداری در شهرستان ماهشهر انجام شده؛ منطقه‌ای صنعتی و استراتژیک که هم‌زمان با محرومیت‌های اجتماعی دست‌وپنجه نرم می‌کند. شرایط سخت اقلیمی، گرمای شدید و هم‌زمانی تولید با اتفاقات امنیتی، این پروژه را به یکی از پرچالش‌ترین تولیدات امسال تبدیل کرده است. در نهایت، «گیس» می‌کوشد تصویری ارائه دهد که برای مخاطب امروز ایران آشناست؛ فیلمی که گویی نه درباره گذشته یا آینده، بلکه درباره همین روزها ساخته شده است. اثری که مخاطب را دعوت می‌کند تا فراتر از ظاهر وقایع، به ریشه‌های ناپدیدای بحران‌ها نگاه کند و نسبت میان معیشت، صنعت و امنیت را دوباره از نو به پرسش بگیرد. به بهانه اکران فیلم «گیس» در چهل و چهارمین جشنواره بین‌المللی فیلم فجر با محسن جسور کارگردان و سیدمهدی جوادی تهیه‌کننده این اثر به گفت‌وگو پرداخته‌ایم.



محسن جسور، کارگردان:

تم اصلی کارهای من همیشه عدالت بوده است

محسن جسور، کارگردان فیلم «گیس»، فعالیت حرفه‌ای خود را به عنوان عکاس سینما و تلویزیون آغاز کرد و با آثاری چون سریال‌های موفق «گاندو» و «قفسی برای پرواز» به شهرت رسید. این تجربه گسترده در حوزه‌های بصری و روایی، به او این امکان را داده است که در «گیس» نیز تم همیشگی‌اش یعنی «عدالت» را با زبانی نزدیک به سینمای جنایی و در بستری واقع‌گرایانه (با الهام از اعتصابات کارگری) روایت کند. او تأکید دارد که زیبایی‌شناسی بصری و تنش، که ریشه در دانش او در عکاسی و هنرهای تجسمی دارد، در کنار جزئیات فنی فیلمبرداری در لوکیشن سخت ماهشهر، تجربه‌ای عمیقاً انسانی و حرفه‌ای برای تماشاگر خلق خواهد کرد.

آقای جسور، لطفاً اول از همه یک توضیح مختصر در مورد فیلم «گیس» بدهید. ژانر فیلم چیست و خلاصه داستانش چیست؟
فیلم ما یک معمای جنایی است و قصه‌اش پیرامون اعتصابات کارگری شکل گرفته است. علت شروع اعتراضات کار، موضوعی است که در فیلم به آن پرداخته می‌شود و سعی کردیم به شکلی جذاب و واقع‌گرایانه آن را روایت کنیم.

چرا سراغ ژانر جنایی رفتید؟ امسال آثار زیادی در این ژانر در جشنواره حضور دارند.
فیلم قبلی من هم در همین فضا بود و اصولاً تم کارهای من همیشه درباره عدالت است. این فیلم هم درباره عدالت است. وقتی فیلمنامه به من پیشنهاد شد، آن را خواندم و دوست داشتم بسازم، نکاتی داشتم که خواستم تغییراتی بدهم و در خدمت تیم بودم.

فرایند تولید فیلم چقدر طول کشید؟
ما حدود چهار ماه پیش تولید داشتیم و مجموعاً ۷۴ جلسه فیلمبرداری انجام شد. لوکیشن اصلی شهرستان ماهشهر بود و ۹۳ جلسه فیلمبرداری آنجا انجام شد.

فیلم مستقل است یا ارگانی؟
این فیلم در بخش خصوصی ساخته شده است و ارگانی نیست.

درباره انتخاب بازیگران بگویید.
انتخاب بازیگران با فیلمنامه دستخوش تغییراتی شد. حدود ۸۰ درصد بازیگران

همان‌هایی بودند که ابتدا مد نظر بود، ولی بعضی نقش‌ها تغییر کرد؛ مثلاً نسبت زن و شوهر برخی شخصیت‌ها تغییر پیدا کرد تا با داستان همخوانی داشته باشد. حامد بهداد نقش اصلی را بازی می‌کند و نقش یک معاون امنیتی اطلاعاتی است که درگیر پرونده قتل و فساد می‌شود. خانم طباطبایی نقش زن اصلی داستان را بر عهده دارند که قاتل فیلم است.

چه خلایقی در کارگردانی داشتید که فیلم را متمایز کند؟

برعکس فیلم قبلی‌ام که سبک کارگردانی اجتماعی داشت، این اثر نزدیک‌تر به سینمای اجتماعی با المان جنایی است. من سال‌ها عکاس سینما و نقاشی خوانده هستم و سعی کردم تجربه‌های هنرهای تجسمی‌ام را در کار استفاده کنم. به‌جای اینکه دوربین صرفاً ابزاری برای ثبت صحنه باشد، تلاش کردم زیبایی‌شناسی و تنش در کنار هم دیده شوند، بدون اینکه تماشاگر متوجه عناصر تخصصی شود.

داستان بر اساس واقعیت است؟
بله، کاراکترها تا حد زیادی واقعی هستند ولی نام‌ها تغییر کرده است. من با برخی از افراد واقعی که در ماجرا حضور داشتند تعامل داشتم و نظرشان را جویا شدم، آنها بسیار خوشحال بودند و همکاری کردند.

در ماهشهر با چه چالش‌هایی روبرو بودید؟
شرایط بسیار دشوار بود. ما در گرمای حدود ۵۶ درجه فیلمبرداری می‌کردیم. علاوه بر گرما، اتفاقات بیرونی مانند حمله اسرائیل و زلزله خوزستان هم رخ داد که بر روند کار تأثیر گذاشت، اما تیم با انگیزه و هماهنگی پیش رفت. بازیگران نیز در چنین شرایطی حضور داشتند و همه با هم تلاش کردند.

تجربه فیلمبرداری و استفاده از لوکیشن‌ها چقدر برای شما مهم بود؟
ما تقریباً تمام صحنه‌ها را در لوکیشن اصلی فیلمبرداری کردیم؛ پتروشیمی محل حادثه و مکان‌های مرتبط که حس و حال واقعی ماجرا را منتقل می‌کند. این وفاداری به واقعیت برای ما اهمیت زیادی داشت.

نکته یا توصیه‌ای برای تماشاگران قبل از نمایش فیلم دارید؟
امیدوارم که وقتی فیلم را دیدند، درک بهتری از عدالت و پیچیدگی‌های واقعی داستان پیدا کنند و تجربه‌ای حرفه‌ای و انسانی از فیلم برایشان شکل بگیرد.